

تحلیلی بر توسعه مالیاتی ایران
(با رویکرد هزاره سوم)

نویسنده

دکتر محمدرضا منجانب

نشر فرهنگ شناسی

۱۳۹۲



نام کتاب: تحلیلی بر توسعه مالیاتی ایران (با رویکرد هزاره سوم)
نویسنده: دکتر محمدرضا منجذب
ناشر: نشر فرهنگ شناسی
تاریخ انتشار: ۱۳۹۲
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول
قیمت: ۱۶۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۴-۱۹-۵

mail: info@farhangshenasi-pub.ir
www.farhangshenasi-pub.ir

نشر فرهنگ شناسی: تهران، خیابان شهید مفتاح شمالی، جنب اداره پست،
پلاک ۳۶۶، ط ۴، واحد ۱۳، تلفن: ۸۸۷۳۵۴۵۱، ۸۸۷۳۱۲۷۰ - نمابر: ۸۹۷۸۵۰۵۹

سرشناسه : منجذب، محمدرضا.
عنوان و نام پدیدآور : تحلیلی بر توسعه مالیاتی ایران (با رویکرد - هزاره سوم)
نویسنده: محمدرضا منجذب
مشخصات نشر : تهران، انتشارات فرهنگ شناسی، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری : ۳۷۳ ص.
فروست : اقتصاد.
شابک : 978-600-6724-19-5
وضعیت فهرست نویسی : فیا
موضوع : مالیات - ایران - سیاست دولت.
رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ ۳۸۳/۲ HJ۲۹۲۰
رده بندی دیویی : ۳۳۶/۲۰۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۹۱۶۱۱

فهرست

فصل اول: تاریخچه و کلیات.....	۱۳
۱- مقدمه.....	۱۳
۲- تاریخچه مالیات در ایران.....	۱۳
۲-۱- مقررات مالیاتی قبل از اسلام.....	۱۴
۲-۲- مقررات مالیاتی از ظهور اسلام تا برقراری مشروطیت.....	۱۶
۲-۳- مقررات مالیاتی دوران مشروطیت تا انقلاب اسلامی.....	۱۹
۲-۴- مقررات مالیاتی در دوران جمهوری اسلامی ایران.....	۲۲
۳- اصول مالیاتی.....	۲۳
۳-۱- اصول مالیاتی از نظر کلاسیکها.....	۲۳
۳-۲- اصول مالیات از نظر آدام اسمیت.....	۲۴
۳-۳- اصول مالیاتی از نظر نئوکلاسیکها.....	۲۵
فصل دوم: برآورد ظرفیت مالیاتی ایران.....	۲۷
مقدمه.....	۲۷
ضرورت و اهمیت موضوع.....	۲۷
نمونه آماری و دوره زمانی مورد مطالعه.....	۲۹
آمار توصیفی.....	۳۱
نمودار پراکندگی متغیرها.....	۳۱
برآورد مدل.....	۳۵

آزمون‌های ایستایی متغیرها	۳۶
آزمون ریشه واحد LLC	۳۷
انتخاب روش مناسب تخمین داده‌های پانلی	۳۸
آزمون اثرات گروه، اثرات ثابت و اثرات تصادفی	۳۸
آزمون معنیدار بودن اثرات گروه	۳۸
آزمون انتخاب بین اثرات ثابت و اثرات تصادفی	۳۹
آزمون خود همبستگی	۴۰
آزمون ناهمسانی واریانس	۴۱
آزمون ورود متغیرهای نامربوط	۴۱
آزمون حذف متغیر مهم (زمان)	۴۲
آزمون نرمال بودن	۴۳
ارائه‌ی مدل نهایی، بحث و تفسیر و تحلیل یافته‌ها	۴۴
برآورد ظرفیت مالیاتی	۴۷
آزمون مقایسه‌ی درآمدهای مالیاتی بالقوه و بالفعل	۴۹
بررسی نتایج اصلی مدل	۵۱
چه باید کرد؟	۵۲
فصل سوم: بررسی آمار درآمدهای مالیاتی	۵۵
مقدمه	۵۵
۱ - طبقه‌بندی انواع مالیات‌ها	۵۸
۲- کشورهای مورد مطالعه	۶۱
۳- آمار درآمدهای مالیاتی و تولید ناخالص داخلی	۶۳
فصل چهارم: بررسی درآمدهای مالیاتی	۱۰۱
۱- بررسی درآمدهای مالیاتی کشورهای توسعه‌یافته صنعتی	۱۰۱
۲. بررسی درآمدهای مالیاتی برخی کشورهای در حال توسعه	۱۷۳
۳. بررسی اجزاء درآمدهای مالیاتی ایران	۱۹۶
فصل پنجم: بررسی مانایی درآمدهای مالیاتی	۲۰۱

۱. مقدمه	۲۰۱
الف) کشورهای توسعه یافته صنعتی	۲۰۷
ب - کشورهای در حال توسعه منتخب	۲۴۲
د: نتیجه گیری	۲۵۴

فصل ششم: آزمون مانایی سهم نسبی اجزاء درآمدهای مالیاتی..... ۲۵۷

الف) آزمون مانایی برای ترکیب اجزاء مالیاتی کشورهای توسعه یافته صنعتی.....	۲۵۸
ب - آزمون مانایی ترکیب اجزاء مالیاتی کشورهای در حال توسعه منتخب و ایران.....	۳۲۴

فصل هفتم: جمع بندی و نتیجه گیری

پیوست ها	۳۵۶
فهرست منابع	۳۷۳

پیش‌گفتار

به طور کلی دولت‌ها سه هدف عمده را از طریق وضع مالیات‌ها دنبال می‌کنند؛ اهداف بودجه‌ای که ناظر بر تأمین مالی بودجه‌ی دولت می‌باشد. اهداف اقتصادی که ناظر بر تثبیت نوسانات اقتصادی در شرایط رکودی و تورمی و تخصیص منابع بین بخش‌های مختلف اقتصادی از طریق سیاست‌های مالیاتی است، و سرانجام اهداف اجتماعی که ناظر بر بازتوزیع درآمد در جامعه و کاهش شکاف طبقاتی از طریق ابزارهای مالیاتی می‌باشد.

جهت‌گیری‌های متضاد اهداف مذکور، سیاست‌گذاری مالیاتی را در عمل با چالش اساسی مواجه کرده است. از یک طرف دولت‌ها بر جنبه‌ی درآمدی مالیات‌ها توجه دارند و در طرف مقابل، طرفداران عدالت اجتماعی بر بازتوزیع درآمد از طریق مالیات‌ها تأکید ویژه دارند. این در حالی است که تأکید بیشتر بر یکی از جنبه‌های مالیات مانع رسیدن به سایر اهداف شده و یا رسیدن به آن‌ها را با چالش مواجه می‌سازد. در اینجاست که طراحی یک سیاست مالیاتی کارآمد مطرح می‌شود. سیاستی که بتواند با کمترین آثار اخلاقی در تصمیمات و عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد و بنگاه‌ها، درآمدهای مالیاتی را به حداکثر رسانده و در عین حال اهداف توزیعی و

تخصیصی را نیز به نحو مطلوب تأمین نماید. مروری گذرا بر عملکرد نظام مالیاتی در تأمین اهداف سه گانه مالیات ها حاکی از ضعف عملکرد نظام مالیاتی است. از جنبه تأمین مالی بودجه دولت آمارها حاکی از نقش ضعیف مالیات ها در بودجه دولت می باشد به گونه ای که نسبت مالیات به هزینه های جاری دولت طی برنامه چهارم توسعه از ۵۰ درصد فراتر نرفته و این مقدار در سال ۱۳۹۰ حدود ۴۴ درصد بوده است. نسبت پایین مالیات به منابع بودجه عمومی، که در سال به حدود ۳۰ درصد رسیده، یکی دیگر از شاخص های است که بر ضعف بودن نقش مالیات در تأمین مالی بودجه دولت اشاره دارند. از جنبه اقتصادی نیز مالیات نقش قابل توجهی در سیاست گذاری اقتصادی (تثبیت و تخصیص منابع) ندارد. پایین بودن نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی که در حال حاضر حدود ۷ درصد می باشد نشان می دهد که مالیات به دلیل سهم ناچیزی که در اقتصاد کشور دارد نمی تواند تأثیری بر تصمیمات سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی داشته باشد. از دلایل عمده پایین بودن این نسبت، می توان به محدود بودن پایه های مالیاتی، گستردگی معافیت های مالیاتی، ترکیب درآمدهای مالیاتی، و... اشاره کرد. یکی دیگر از کارکردهای مالیات بازتوزیع درآمد در جامعه و یا به تعبیر دیگر کارکرد اجتماعی مالیات است. برخورد یکسان با تمام کسانی که توانایی پرداخت یکسانی دارند (عدالت افقی) و برخورد متفاوت با دارندگان درآمدهای متفاوت (عدالت عمودی) از مهم ترین سیاست های مالیاتی در عرصه اجتماعی و باز توزیع درآمد محسوب می شود. بررسی قوانین و مقررات مالیاتی کشورمان نشان می دهد جنبه های عدالت مالیاتی به درستی رعایت نشده است؛ برخورداری برخی از گروه ها، افراد، شرکت ها و صنایع از انواع مشوق های مالیاتی، بالا بودن بار مالیاتی قشر حقوق بگیر در مقایسه با مشاغل آزاد و حقیقی، بالا بودن بار مالیاتی شرکت ها در برابر پایین بودن بار

مالیاتی مشاغل و غیره از مصادیقی هستند که بر نقش انفعالی مالیات در عرصه اجتماعی اشارت دارند.

در این کتاب ما توجه خود را به درآمدهای دولت معطوف می‌داریم. اما درآمدهای مالیاتی دولت دارای اجزاء و ترکیب متفاوتی است که هریک از این اجزاء نیز به نوع خاصی به فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی مربوط می‌گردد. از این روی ترکیب درآمدهای مالیاتی منبعث از ترکیب فعالیت‌های اقتصادی است، مشروط به آن‌که به نحو صحیح و مناسبی از این فعالیت‌ها مالیات اخذ گردد. این‌که در کشوری نظیر ایران، ترکیب درآمدهای مالیاتی مناسب است یا خیر، به آسانی قابل پاسخ نمی‌باشد، حتی در بستر زمان و در یک محدوده زمانی مشخص و شاید نسبتاً طولانی نیز نمی‌توان در این خصوص پاسخ مناسب را یافت. در این کتاب با بررسی ترکیب بهینه درآمدهای مالیاتی، به دنبال آن هستیم تا با بررسی تطبیقی کشورهای مشابه و نیز کشورهای توسعه‌یافته صنعتی، ترکیب مناسبی از اجزاء درآمدهای مالیاتی برای اقتصاد در حال رشد و توسعه ایران را پیشنهاد دهیم. در این راستا ادعای ما این است که با تغییر ترکیب مالیاتی ایران و حرکت اصولی آن به سمت ترکیب بهینه می‌توان پایه‌های جدید مالیاتی آفرید که این خود بستر مناسب را در مسیر توسعه درآمدهای مالیاتی در ایران فراهم می‌نماید. در پایان بر خود لازم می‌دانم از همه دوستان و همکارانی که با تذکرات و نکات تکمیلی خود من را در این مهم یاری دادند، بویژه آقایان مهدلو، کلانتری و اسدیان، تشکر و قدردانی نمایم.

دکتر محمدرضا منجذب

پساییز ۱۳۹۱